

## ماجراهای اداره ممیزی کتاب

در حاشیه‌ بلا تکلیف ماندن کتاب شعر جدید استاد شفیعی کدکنی


**بهروز گرانپایه**

شاعر و روزنامه‌نگار

«نامه‌ای به آسمان»، تازه‌ترین مجموعه شعر استاد شفیعی کدکنی در ارشاد گیر کرده و مدیرکل توسعه کتاب و کتابخوانی گفته که برای بررسی و صدور مجوز چاپ، جلسه‌هیئت‌نظارت برگزار خواهد شد.

ممیزی کتاب گرچه مقوله تازه‌ای در عرصه فرهنگ و ادب ایران نیست اما دامنه شمول آن مدام در حال گسترش بوده است. گویی در مسیر تحقق آن چه در قالب طنز و مطالبیه در افکار عمومی و در فضای رسانه‌ای در مورد سانسور گفته‌می‌شود، پیش‌می‌رویم. اینکه کم‌مانده تا اشعار حافظ، سعدی و دیگر بزرگان شعر و ادب فارسی نیز در چاه‌های جدید خود دچار سانسور شوند، چنانچه دوستی ادیب و شاعر را می‌شناسم که زمانه و زندگی حافظ را در قالب رمان زیبایی نوشته است، اما از ترس سانسور از ارائه آن به ارشاد پرهیز می‌کند. او که خود سابقه خدمت در وزارت ارشاد را دارد، به‌شدت نگران ممیزی است و زمان را در کامپیوتر خود حبس کرده است.

من که خودم چه در زمینه ترجمه کتاب، چه مجموعه شعر، طعم تلخ ممیزی را اندکی چشیده‌ام، مواردی را مشاهده کرده‌ام که اگر سانسور نمی‌شد، مشکلی ایجاد نمی‌کرد؛ چون نه نفی و انکار بود، نه توهین و بی‌احترامی، و نه خلاف اخلاق و شرع. با این‌حال چرا همچنان شاهد سختگیری‌های غیرقابل توجیه و غیرقابل دفاع در چاپ و انتشار کتاب به‌خصوص شعر، آن‌هم مجموعه‌یک‌استاد معتبر؛ متفکروپژوهنده در عرصه ادبیات کلاسیک و معاصر ایران زمین هستیم؟

در کنار مجموعه عوامل سیاسی، اعتقادی؛ گاه امنیتی و نیز رویکرد سیستم‌تاتیک ایجاد محدودیت در آزادی بیان که در مقوله سانسور برمی‌شمارند، می‌خواهم به‌عاملی اشاره کنم که احتمالاًمی‌تواند مواردی از سانسورها را توضیح دهد. این عامل شکاف عمیق معرفتی بین مؤلف و ممیز است. پیش‌ازآن اشاره کنم که ممیزها عموماً افراد شناخته‌شده‌ای نیستند. دوست دیگری اخیراً می‌گفت: «امن تجربه‌ای سه‌ماهه به‌عنوان مدیرکل کتاب دارم. پس از پذیرفتن مسئولیت در همان روزهای نخست، از مدیر بررسی کتاب خواستم فهرست بررسی‌کنندگان کتاب را برابم بیاورد. رفت و لیستی

### نگاه تحلیلیگر ۲/

## آشفته‌بازار تناقض و چند نکته دیگر

درباره ممیزی کتاب جدید استاد شفیعی کدکنی


**حمیدرضا اسلامی**

روزنامه‌نگار و شاهنامه‌پژوه

مدیرکل دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به ایسنا گفته است که مجموعه شعر جدید استاد شفیعی کدکنی را برای بررسی و صدور مجوز به اعضای هیئتی داده و منتظر تشکیل جلسه و اعلام رأی آنهاست. بعد معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در توثیتی نوشته است: «استاد شفیعی کدکنی از مفاخر ادبی ایران است. هیچ محدودیتی برای انتشار آثار ایشان وجود ندارد». البته توضیحات دیگرش کل این جمله را نقض کرده و گفته، ما اساساً هیچ کتابی را از جهت ارزش‌های ادبی بررسی نمی‌کنیم و همه‌ی کتاب‌ها را مطابق مصوبه ۶۶۰ شورایی انقلاب فرهنگی به‌عنوان دبیر خانه هیئت‌نظارت اتفاقاً بررسی می‌کنیم و به ناشر اعلام می‌کنیم و بیداست که کتاب استاد هم از این روند مستثنی نشده است.

آن نفر اول گفته بود که کتاب را برای تعدادی از شاعران هم فرستاده که نظر دهند. معلوم هم نیست شاعران یادشده باید کتاب استاد ما را از جهت ادبی ارزیابی کنند یا از جهت وفق با مصوبه ۶۶۰. البته اگر قرار است از جهت وفق با مصوبه بررسی شود، خیلی هم مهم نیست که ممیزان یا مصوبه‌بان گرمی شاعر باشد. می‌شود از جنس همین نرم‌افزارهای حساس به کلمات باشد و عمل کند. در این نوع ممیزی که دیگر شفیعی و غیرشفیعی نداریم. یاد سال‌ها قبل اقدام. در دوره دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی، محمدرضا هاشمی گلیلیگانی که دبیر شورایعالی انقلاب فرهنگی و از نظر فکری به انقلابیون امروز نزدیک‌بود، وزیر علوم‌شد. به‌عنوان خبرنگار حوزه‌ی آموزش عالی از وزیر برای یکی از دوستان در روزنامه‌ی همشهری تقاضای وقت مصاحبه کردم. مصاحبه‌ای که قرار نبود در موضوع آموزش عالی باشد. خودم هم در آن مصاحبه حاضر بودم. دوست من آقای کدخدازاده از وزیر پرسید فکر می‌کنید اگر فردوسی الان زنده بود در گزینش‌های شما برای استادی دانشکده‌ی ادبیات قبول می‌شد؟ وزیر هم صادقانه گفت، گمان می‌کنم قبول نمی‌شد.

مصاحبه پس از پیاده‌شدن برای وزیر ارسال شد که قبل از انتشار ببیند. آقای کدخدازاده به من گفت، حیف که این جمله را حذف خواهد کرد. وزیر دید و بسیار موارد بی‌اهمیت را اصلاح کرد و این جمله را نه. البته وزیر صادقی به نظر می‌آید یا شاید آن‌وقت‌ها کلاً وزیر‌ها صاف و ساده‌تر بودند. انتشار آن گفت‌وگو در فضای آن روزگار موجی از اعتراض و انتقاد بها کرد. جواب‌وزیر صادقانه بود و تناقضی عجیب‌ولی واقعی را در سیاست‌های فرهنگی نظام آشکار می‌کرد. این تناقض برای خیلی‌ها قابل‌پذیرش نبود. نامه‌هایی در اعتراض به وزیر نوشته شد و استادان بزرگی از جمله اعضای

آورد که همه کد بود. آن وقت سال ۸۰ هنوز سیستم کامپیوتری نبود. گفتم، این‌ها چیه؟ گفت، لیست بررسی‌کنندگان است. گفتم این‌ها که شماره و حروف است، اسامی و تخصص‌ها را بیاور. گفت، آن محرمانه است! گفتم، من مدیر کتابم، یعنی چی محرمانه است؟ نباید بدانم چه کسی و با چه تخصصی کتاب‌ها را بررسی می‌کند؟ گفت، اصلاً اداره کتاب زیرنظر وزارت ارشاد نیست! وزارتخانه فقط مسئول نامین جا و هزینه‌هاست و اداره زیرنظر شورای فرهنگ عمومی است. به معاون موضوع را گفتم. گفت، بله، پیچیده است؛ طر‌حی بده تا اقدام کنیم. مدتی بعد چندنفر از بزرگان عرصه ادبیات را دیدم؛ گفتند، کجایی؟ گفتیم؛ سانسورچی شدم و ماجرا را تعریف کردم. استاد احمد سمیعی که در آن جمع بود، گفت آن بخش از زمان رضاخان بدنام است، شما چرا قبول و لطف به من رفت، نخر جای تو وروجه‌ت نویست؛ تردید نکن. رفتم وزارتخانه استغافا نوشتم. کلید اتاق را در پاکت گذاشتم و دادم دفتر معاونت.»

ناشناس و محرمانه‌بودن نام ممیزها، البته امکان ارزیابی دقیق از میزان سواد، شناخت، تخصص و صلاحیت آن‌ها را دشوار می‌کند. اما وقتی نتیجه بررسی‌های و نظر آن‌ها در مورد یک کتاب، ملاک و معیار قرار می‌گیرد؛ مشخص می‌شود که عموماً پیشنهادهای حذف یا اصلاح ارائه‌شده ناشی از بدفهمی یا کم‌سوادی است. قطعاً در اداره بررسی کتاب دستورالعملی برای ارزیابی و ممیزی تدوین شده و آن را در اختیار ممیزها می‌گذارند. مثلاً فهرست کلماتی که در شعر و داستان نباید به کار رود یا جایگزین آن‌ها (گاهی همین دستورالعمل‌هاست که موجب کم‌دی شدن سانسوردر ایران یا نتیجه کار ممیزی می‌شود). اما هر متن و کتابی را نمی‌توان به ارزیابی ناشناخته‌های سپرد و از او خواست تا مطابق دستورالعمل بررسی کند که مورد سانسوری دارد یا خیر.

باید پرسید آیا مجموعه شعر استاد شفیعی کدکنی به همین ارزیابان و ممیزان که سطح سواد، معرفت و تخصص‌شان نامعلوم است، سپرده شده تا نظر دهند؟ آیا اساساً در مجموعه ارشاد و نهادهای وابسته و مرتبط آن‌ها کسی که قابلیت صلاحیت بررسی کتاب کدکنی را داشته‌باشد، وجود دارد؟ اگر ساختار بوروکراتیک و نیروی انسانی دولت کنونی و میزان تکلیت و کارآمدی آن را که در همه حوزه‌ها مشکل، مسئله و بحران ایجاد کرده است، در نظر آوریم، سپردن مجموعه شعر یک استاد مسلم شعر و ادب فارسی به ممیزی در کلاس سایر متخصصان این ساختار، امر غریبی نیست. این، شدت تأسف و غلظت فاجعه است که افرون‌تر از همیشه است.

## ۲

### تیتریک

HEADLINE ONE

# هوای پاک حق نقض شده ملت

بررسی دلایل تداوم آلودگی هوادر کلانشهرها و رویکرد انفعالی دولت


**شادی مکی**

گزارشگر هم‌میهن

آلودگی هوایبار دیگر کشور را فلج کرده است؛ پدیده‌ای که سال‌هاست مردم ایران با آن دست‌به‌گریبان هستند و هر سال در فصل سرد منتظر اعلام نتایج تشکیل جلسات کمیته اضطراری آلودگی‌ها هستند. آلودگی حالا دیگر به پایتخت محدود نمی‌شود و بسیاری از کلانشهرها را درگیر خود کرده است. روند افزایشی غلظت آلاینده‌ها، آموزش تمامی مقاطع تحصیلی البرز را در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۲۹ و ۳۰ آذرماه غیر حضوری کرد. در استان خوزستان نیز وضعیت فاجعه‌بار است به شکلی که معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز از مراجعه حدود یک‌هزار و ۳۰۰ نفر به‌دنبال آلودگی هوادر خوزستان با علائم تنفسی به مراکز درمانی تابعه دانشگاه در روزهای ۲۶ و ۲۷ آذرماه خبر داده است. شاخص کیفی هوای کلانشهر اصفهان نیز سه‌شنبه ۲۸ آذرماه در وضعیت نارنجی و ناسالم برای گروه‌های حساس قرار گرفت. وضعیت هوای پایتخت نیز بحرانی است. اداره کل هوشناسی استان تهران از تداوم آلودگی هوای تهران طی چهار روز آینده خبر داده است. از روز دوشنبه ۲۷ آذرماه نیز اورژانس در میدانی اصلی پایتخت حاضر شده‌اند تا به شهروندان آسیب‌دیده از آلودگی یاری برسانند. کمیته اضطراری آلودگی هوای تهران بارها با راه‌بان‌تشکیل جلسه داده و هر بار نیز دستورالعمل‌های یکسانی را به‌امید کنترل آلودگی هوای صادر کرده است. روز گذشته نیز معاون استاندار تهران میرمحمد غراوی، بار دیگر از غیر حضوری شدن همه مقاطع تحصیلی در استان تهران غیر تردد شبانه خودروهای گازوئیلی سنگین که آلایندگی قابل رؤیت دارند، عدم صدور مجوزهای طرح ترافیک توسط شهرداری تهران و توصیه به گروه‌های حساس جامعه به خودداری از تردد در فضای باز از جمله تصمیمات تکراری این کارگروه بود، اگر چه هیچ‌یک از این تصمیمات نیز راهکاری جامع و کامل نیستند. همه این موارد در شرایطی رخ داده است که مهدی پیرهای، رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران در جریان یکصدونودوهمتمین جلسه شورای شهر تهران با اشاره به اینکه شهروندان تهرانی از تنفس در این شهر ناراضی‌شدیدی دارند، اظهار کرد: «در جلسه استانداری تهران، نماینده پخش و پالایش رسماً اعلام کرد که دو نیروگاه از مازوت استفاده می‌کنند.»
آنطور که خبرنگاری فارس به نقل از پیرهای نوشته است: «در سال ۱۴۰۰ تعداد مرگ و میر ناشی از آلودگی هوادر تهران ۶ هزار و ۳۹۸ نفر بوده است.»
با این حال تاکنون برای

#### ▼ انرژي ارزان قيمت زمينه‌ساز آلودگي هوا

**حسین اخانی** کارشناس محیط‌زیست و استاد دانشگاه دربارہ استعمار آلودگی هوای کلانشهرها به هم‌میهن گفت: «آلودگی هوادر کشور ما پدیده‌ای جدید نیست و در سه دهه اخیر هر سال با آن مواجه بوده‌ایم و هر سال تعداد



روزهای آلوده ما افزایش داشته است که نشان‌دهنده آن است که مسئولان مربوطه وظایف خود را به درستی انجام نمی‌دهند. سه منشأ اصلی آلودگی هوادر شهرها و بویژه کلانشهرها وجود دارد. اول، آلودگی خودروها و وسایل حمل‌ونقل متحرک؛ گفته می‌شود ۷۰ درصد آلودگی شهرها مرتبط با این وسایل است. منشأ دوم،

### صفحه ادامه از اول

علیرضاییگی در پاسخ به این سوال که افزایش مالیات ارزش افزوده به اقتصاد خانوار در اقشار مختلف جامعه آسیب نمی‌رساند؟ تاکید کرد: «این مالیات شامل تمام اقلام مصرفی نیست. بخشی از اقلام مصرفی مانند اقلام کشاورزی پروتئین، آرد، نان و... از این مالیات معاف هستند.»

دولت مدعی است، فروش نفت افزایش پیدا کرده است و حتی در تیرماه از مازاد فروش نفت خبر داد. ضمن آنکه ابراهیم رئیسی، رئیس دولت سیزدهم در ارائه لایحه بودجه اعلام کرد، اسمال کسری بودجه نداشتیم در حالی که خاندوزی، وزیر اقتصاد روز بعد از کسری بودجه دولت خبر داد. این نماینده مجلس در پاسخ به این سوال که با این اوصاف چرا باید مالیات را افزایش داد؟ گفت: «متأسفانه عدم اشراف به موضوع در سطوح مختلف دولت از صدر تا لایحه‌های پایین وجود دارد. مصداق بارز می‌برای این عدم اشراف وجود دارد. در حالی که دولت اعلام می‌کند بیش از ۵۹ درصد از منابع پیش‌بینی‌شده از منبع نفت، گاز و میعانات محقق نشده است و تا پایان سال شاید به حدود ۶۵ درصد برسد، در ۲۲ تیرماه اسمال دولت لایحه دوفوریتی به مجلس می‌آورد و طی آن لایحه در خواست می‌کند که مازاد درآمدهای نفتی تعیین تکلیف شود. داود منظور، رئیس سازمان برنامه‌بودجه‌نیز اعلام کرد فروش نفت برای ما ۱/۴ میلیون بشکه‌که روز است و طبق اعلام وزارت نفت از این تعداد بشکه عبور کردیم و پیش‌بینی می‌شود از رهگذر نفت به یک رقم ۱۵ میلیارد یورویی دست پیدا می‌کنیم که در قانون بودجه برای آن پیش‌بینی انجام نشده است. دولت در آن روز از مجلس خواست این مبلغ ۱۵ میلیارد یورو را در توسعه زیرساخت‌ها، تقویت صندوق‌های بازنشستگی، پرداخت معوقات، مطالبات، توسعه نیروگاه‌های اتمی و... هزینه کند. این دو موضوع که دولت مطرح می‌کند با هم تناقض دارد؛ اینکه دولت اعلام می‌کند بیشتر از ۵۹ درصد منابع پیش‌بینی‌شده از فروش نفت محقق نشده و از سوی دیگر در ۲۲ تیرماه اعلام می‌کند، ۱۵ میلیارد یورو درآمد مازاد نفتی داریم. من چندبار در کمیسیون تلفیق این تناقض را مطرح کردم و متأسفانه دولت تاکنون نتوانسته به این تناقض پاسخ دهد. وزیر نفت پاسخگویی را به آقای منظور موکول کرد و او هم نتوانست به این سوال پاسخ دهد و این عدم پاسخگویی به معنای فقدان اشراف به موضوع منابع درآمدی دولت است. برای ما هم محل سوال است و نمی‌توانیم بگوییم که این پول وجود نداشته و دولت لایحه دوفوریتی به مجلس آورده است. البته مجلس زیر بار دوفوریتی آن نرفت تا به‌صورت عادی از طریق کمیسیون در صحن مجلس بررسی شود. منتظرم پاسخی از جانب سازمان برنامه‌در این خصوص اتفاق بیفتد.»

#### ▼ نفت ۸۵ دلاری بودجه، ۶۸ دلار فروش رفت

**علی اصغر عنایستانی**، دیگر عضو کمیسیون تلفیق لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ نیز به هم‌میهن گفت: «بودجه براساس لایحه برنامه هفتم توسعه نوشته شده بود نه برنامه هفتم مصوب مجلس.



### گزارش یک